**كتاب: جاذبه و دافعه علی علیه السلام**

«در بيان صفات مردان الهي»

1- امتیاز اساسی علی علیه السلام و سایر مردانی که از پرتو حق روشن بوده‌اند این است که علاوه بر مشغول داشتن خاطرها و سرگرم کردن اندیشه‌ها، به دلها و روحها نور و حرارت و عشق و نشاط و ایمان و استحکام می‌بخشند. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص10)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

2- اگر صوفیه از دراویش لشکری جرّار و مجاهدانی کارآمد ساختند، با نام علی کردند نه با نام خودشان. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص11)

«در بيان محبت منطقي و عاقلانه»

3- محبت منطقی و عاقلانه آن است که خیر و مصلحت جامعه بشریت در آن باشد نه خیر یک فرد و یا یک دسته بالخصوص. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص24)

«در بيان افراد با شخصيت»

4- افراد باشخصیت آنهایی هستند که جاذبه و دافعه‌شان هر دو قوی باشد، و این بستگی دارد به اینکه پایگاههای مثبت و پایگاههای منفی در روح آنها چه اندازه نیرومند باشد. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص27)

«در بيان مردان الهي»

5- شخصیتهای جهان، با مرگشان همه چیزها می‌میرد و با جسمشان در زیر خاکها پنهان می‌گردد اما مردان حقیقت خود می‌میرند ولی مکتب و عشقها که برمی‌انگیزند با گذشت قرون تابنده‌تر می‌گردد. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص29)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

6- علی از صورت یک فرد بیرون است وبه صورت یک مکتب موجود است، و به همین جهت گروهی را به سوی خود می‌کشد و گروهی را از خود طرد می‌نماید. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص31)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

7- علی اگر رنگ خدا نمی‌داشت و مردی الهی نمی‌بود فراموش شده بود. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص37)

«در بيان تشيع و ولايت حضرت علي ع»

8- تشیع مذهب عشق و شیفتگی است. تولّای آن حضرت(علي) مکتب عشق و محبت است. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص40)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

9- علی مقیاس و میزانی است برای سنجش فطرتها و سرشتها. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص41)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

10- علی جز تجسم حقیقت چیزی نیست. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص41)

«در بيان ويژگي عشق»

11- عشق است که دل را دل می‌کند و اگر عشق نباشد دل نیست، آب و گل است. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص44)

«در بيان ويژگي عشق»

12- عشق است که از بخیل، بخشنده و از کم طاقت و ناشکیبا متحمل و شکیبا می‌سازد. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص45)

«در بيان ويژگي عشق»

13- عشق، نفس را تکمیل و استعدادات حیرت‌انگیز باطنی را ظاهر می‌سازد. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص46)

«در بيان ويژگي عشق»

14- علاقه به شخص یا شئ وقتی که به اوج شدت برسد به طوری که وجود انسان را مسخر کند و حاکم مطلق وجود او گردد «عشق» نامیده می‌شود. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص50)

«در نكوهش عشق مجازي»

15- جوانی که از دیدن رویی زیبا و مویی مجعّد به خود می‌لرزد و از لمس دستی‌ ظریف به خود می‌پیچد، باید بداند جز جریان مادی حیوانی در کار نیست. این گونه عشقها به سرعت می‌آید و به سرعت می‌رود، قابل اعتماد و توصیه نیست، خطرناک است، فضیلت کش است. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص51)

«در حكومت قانون و رابطه آن با علاقه حاكمان»

16- مردم آنگاه قانونی خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند و آن علاقه‌هاست که مردم را به پیروی و اطاعت می‌کشد. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص61)

«در بيان شيوه حكومت»

17- قلب زمامدار بایستی کانون مهر و محبت باشد نسبت به ملت. قدرت و زور کافی نیست. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص63)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

18- علی از آن نظر محبوب است که پیوند الهی دارد. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص91)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

19- در حقیقت پشتوانه عشق علی پیوند جانها با حضرت حق است که برای همیشه در فطرتها نهاده شده، و چون فطرتها جاودانی است مهر علی نیز جاودان است. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص91)

«در بيان مذهب تشيع»

20- در حقیقت فرقه شیعه مولود یک بینش مخصوص و اهمیت دادن به اصول اسلامی است نه به افراد و اشخاص. قهراً شیعیان اولیه مردمی منتقد و بت شکن بار آمدند. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام صص 120-121)

«در بيان مذهب تشيع»

21- شیعه یعنی کپیه‌ای از سیرتهای علی. . (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص121)

«در بيان تاثير تاريخ مذهب تشيع»

22- از درسهای بسیار آموزنده تاریخ تشیع خصوصاً و جهان اسلام عموماً، همین‌ داستان خوارج است. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص131)

«در بيان ايجاد فتنه بر عليه مصالح اسلامي»

23- همیشه منافقان بی‌دین، مقدسان احمق را علیه مصالح اسلامی برمی‌انگیزند؛ اینها شمشیری می‌گردند در دست آنها و تیری در کمان آنها. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص137)

«در بيان قرآن كريم»

24- قرآن آمده است تا جاودانه بماند. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص153)

«در بيان مبارزه با حماقت و نفاق»

25- مبارزه با احمق و حماقت، مبارزه با نفاق نیز هست زیرا احمق ابزار دست منافق‌ است. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص158)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

26- سراسر وجود علی، تاریخ و سیرت علی، خلق و خوی علی، رنگ و بوی علی، سخن و گفتگوی علی درس است و سرمشق است و تعلیم است و رهبری است. (جاذبه و دافعه علی علیه السلام ص159)

**كتاب: سيري در نهج البلاغه**

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

1- سخن علی علیه السلام چه از نظر صورت و چه از نظر معنی محدود به هیچ زمان و هیچ مکانی نیست، انسانی و جهانی است. (سيري در نهج البلاغه ص33)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

2- روح علی یک روح وسیع و همه جانبه و چند بعدی است و همواره به این خصلت ستایش شده است. (سيري در نهج البلاغه ص44)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

3- ما شیعیان باید اعتراف کنیم که بیش از دیگران درباره کسی که افتخار نام پیروی او را داریم ظلم و لااقل کوتاهی کرده‌ایم. اساساً کوتاهیهای ما ظلم است. ما نخواسته و یا نتوانسته‌ایم علی را بشناسیم. (سيري در نهج البلاغه ص52)

«در بيان مذهب تشيع»

4- عقل شیعی اختصاص به فلسفه ندارد، درکلام و فقه و اصول فقه نیز امتیاز خاص دارد و ریشه همه یک چیز است. (سيري در نهج البلاغه ص55)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

5- اگر علی علیه السلام نبود شاید برای همیشه معارف عقلی قرآن بدون تفسیر می‌ماند. (سيري در نهج البلاغه ص68)

«در بيان معرفي حضرت حق»

6- او(خدا) با همه چیز است ولی در هیچ چیز نیست و هیچ چیز هم با او نیست؛ داخل در هیچ چیز نیست ولی از هیچ چیز هم بیرون نیست. (سيري در نهج البلاغه ص70)

«در بيان علت رشد حكمتهاي الهي شرق و غرب»

7- حکمت الهی شرق از برکت معارف اسلام بارور شد و استحکام یافت و بر یک سلسله اصول و مبادی خلل ناپذیر بنا شد، ولی حکمت الهی غرب از این مزایا محروم ماند. (سيري در نهج البلاغه ص86)

«در بيان حكومت و حقوق مردم»

8- حکومتها هرگز به صلاح نخواهند آمد مگر توده ملت استوار و با استقامت شوند. هرگاه توده ملت به حقوق حکومت وفادار باشند و حکومت حقوق‌مردم را ادا کند، آن وقت است که «حق» در اجتماع محترم و حاکم خواهد شد؛ آن وقت است که ارکان دین بپا خواهد خاست. (سيري در نهج البلاغه ص115)

«در بيان زندگي زاهدانه»

9- زندگی زاهدانه آن نیست که شخص فقط در ناحیه اندیشه و ضمیر وابستگی زیادی به امور مادی نداشته باشد، بلکه این است که زاهد عملًا از تنعم و تجمل و لذت گرایی پرهیز داشته باشد. (سيري در نهج البلاغه ص212)

«در بيان وجه تمايز زهد و رهبانيت»

10- زهد بر اساس فلسفه ایثار هیچ گونه ربطی با رهبانیت و گریز از اجتماع ندارد بلکه زاییده علائق و عواطف اجتماعی است و جلوه عالیترین احساسات انساندوستانه و موجب استحکام بیشتر پیوندهای اجتماعی است. . (سيري در نهج البلاغه ص221)

«در بيان نياز و آزادگي»

11- نیاز و احتیاج ملاک «روبه مزاجی» است و بی‌نیازی ملاک «آزادگی».(سيري در نهج البلاغه ص225)

«در بيان خطرناكترين جبرها و تحميلها»

12- خطرناکترین جبرها و تحمیلها و قیدوبندها آن است که به صورت یک نیاز درونی درآید و آدمی از درون خویش به زنجیر کشیده شود. (سيري در نهج البلاغه ص226)

«در بيان ويژگي هاي حضرت علي ع»

13- آزادمرد جهان، علی بن ابیطالب علیه السلام، از آن جهت به تمام معنی آزاد بود که به تمام معنی زاهد بود. (سيري در نهج البلاغه ص229)

«در بيان حق پرستي»

14- حق پرستی به معنی واقعی کلمه، یعنی شور محبت و خدمت حق را داشتن و با یاد او مأنوس بودن و از پرستش او لذت بردن و در حال توجه و حضور و ذکر دائم بودن، با خودپرستی و لذت گرایی و در اسارت زرق و برق مادیات بودن به هیچ وجه سازگار نیست. (سيري در نهج البلاغه صص233-232)

«در بيان زهد»

15- زهد عبارت است از برداشت کم برای بازدهی زیاد. (سيري در نهج البلاغه ص240)